



محمدرضا عیصری، شاعر و نویسنده ایرانی

عیصری در جشنواره شعر فجر ۱۳۹۰

عیصری در جشنواره شعر فجر ۱۳۹۰

عیصری در جشنواره شعر فجر ۱۳۹۰

عیصری در جشنواره شعر فجر ۱۳۹۰

تحولات اجتماعی مهم‌ترین عامل تغییرات سبکی ادبیات به شمار می‌آید. ورود اسلام به ایران، تشکیل حکومت‌های مرکزی سلطانیان و غزنویان، حمله مغول و انقلاب مشروطه از نمونه‌های تحولات اجتماعی –سیاسی است که تأثیری مستقیم بر ادبیات فارسی داشته است.انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رویدادی چندبعدی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) و ثمره اعتراضات و تلاش‌ها برای یک تغییر اساسی بود. برای نمونه، همان طور که روح امید در کالبد جامعه دمیده شد، فضای تاریک شعر که در دهه ۵۰، تحت تأثیر شعر مبارزه، به حاشیه رفته بود، رو به افول نهاد.

هر چقدر از وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ فاصله می‌گیریم، سیطره انقلاب اسلامی، ارزش‌ها و باورهای آن بر شعر فارسی بیشتر می‌شود، تا جایی که از آغاز جنگ و پس از آن، بسامد شاعران و شعر انقلاب اسلامی، فضای جامعه ادبی کشور را در برمی‌گیرد. اکنون پس از گذشت ۴۶ سال از وقوع انقلاب اسلامی، می‌توان از تأثیرپذیری گسترده شعر فارسی از این حادثه چندبعدی سخن گفت. در این سال‌ها برخی سرایندگان شعر فارسی را «شاعر انقلاب» می‌دانیم و علیرضا قزوه یکی از شاعران بنام دوره انقلاب اسلامی است که از او به عنوان «شاعر انقلاب» یاد می‌شود؛ شاعری که اول بهمن ۱۳۴۲ در گرمسار زاده شد. «در نخلستان تا خیابان»، «عشق علیه‌السلام»، «سوره انکور»، «صبح بنارس» و «چمدان‌های قدیمی» از جمله آثاری است که از قزوه به دست مخاطبان رسیده است. در این جستار، تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا می‌توان قزوه را شاعر انقلاب دانست. به بیانی دیگر، چه مؤلفه‌هایی در شعر او سبب شده تا بتولیم اثر او را از نمونه‌های شعر انقلاب به شمار بیاوریم. برای رسیدن به پاسخ این پرسش، ناگزیریم به چستی مؤلفه‌های شعر انقلاب اسلامی بپردازیم. این مؤلفه‌ها نیز از خلال سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی انجام گرفته است. در این میان، مجموعه شعر «چمدان‌های قدیمی» که گزیده‌ای از اشعار قزوه است، برای بررسی و تحلیل مؤلفه‌های شعر انقلاب در شعر او انتخاب شد.

■ **مؤلفه‌های شعر انقلاب اسلامی**

همان‌گونه که از ترکیب «انقلاب اسلامی» برمی‌آید، شالوده اصلی جهان‌بینی و گفتمان انقلاب سال ۱۳۵۷ را باید در ایدئولوژی اسلامی پیگیری کرد. بر پیراه نیست اگر نظریه شعر انقلاب اسلامی را نیز برگرفته از مفاهیم و آموزه‌های

قرآنی و دینی بدانیم. بر اساس رویکرد اسلام با ادبیات و از آنجایی که اسلام نیز یک مکتب فکری به شمار می‌رود، شعر انقلاب اسلامی هم شاعر باید به دنبال رضایت الهی باشد و شعر را در مسیری استفاده کند که خداوند از او انتظار دارد. رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صداوسیما (۱۳۶۴/۱۲/۱۴) فرمودند: این جرم نیست که اسلامی‌ها می‌خواهند هنر در خدمت ارزش‌های اسلامی قرار بگیرد. همه مکاتب و همه جوامع دنیا، همین‌طورند. ارزش‌هایی در ذهن‌شان وجود دارد که با ارزش‌های دیگری فرق دارد. آنان هنر نقاشی، طراحی‌های گوناگون، شعر، موسیقی و همه چیز را در خدمت این ارزش‌ها قرار می‌دهند.این توقع زیادی نیست که جامعه اسلامی چنین انتظاری داشته باشد.

■ **معناگرایی و مخاطب‌گرایی**

با نگاهی گذرا به نظرات ادیبان و فیلسوفان غرب، در قرون اخیر درمی‌یابیم که مسأله هدف هنر و جایگاه معنا در هنر و ادبیات یکی از محورهای اساسی نظرات آنها بوده است. سمبولیسم از نخستین مکاتب ادبی است که می‌توان تأکید بر عدم صراحت در اثر ادبی را در آن جست‌وجو کرد. آنها بر این باور بودند که «نظریات ما درباره طبیعت، عبارت از زندگی روحی خودمان است. ماایم که حس می‌کنیم و نقش روح خود ماست که در اشیا منعکس می‌شود. وقتی انسان مناظری را که دیده است، با ظرافتی که توانسته است درک کند، مجسم سازد، در حقیقت اسرار روح خود را برمالی می‌سازد. بر اساس سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شعر انقلاب اسلامی شعری معناگراست و البته نه معنامحور و مخاطب‌گراست نه مخاطب‌محور. مخاطب‌محوری در نقد ادبی بدین معناست که مخاطب در برداشت از متن آزاد است اما در شعر انقلاب اسلامی، شاعر در برابر مخاطب خود مسؤول است، بنابراین در وهله نخست بایدنسبت به مسائل مخاطب واکنش نشان دهد و شعری موضع‌مند و زنده داشته باشد. به بیانی دیگر، شعری که در برابر اتفاقات روز بی‌تفاوت است، شعری مرده به‌شمار می‌رود. ارزش شعر در نظریه شعر انقلاب به همراهی آن با ملت است: شاعر نمی‌تواند بگوید من از ملت جدایم، یا به ملت اعتنا

نمی‌کنم، اگر کسی بگوید من با ملت نیستم» آنقدر ارزش ندارد؛ یعنی واقعا در مقیاس و معیار تاریخ، یک چیز بی‌ارزش است… واقعا این نکته مهمی است که آدم ببیند الان حیات اجتماعی ایسن ملت از او چه می‌طلبد، دنبال آن برود (بیانات در دیدار شعری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹/۱/۳۱).

در درجه بعد، شاعر باید به گونه‌ای بسراید که مخاطب بتواند با اثر او ارتباط برقرار کند. سخن گفتن در زبانی که مردم چیزی از آن درنمیابند، در نظریه شعر انقلاب اسلامی ارزشمند نیست، اما این بدان معنا نیست که زبان آراسته و پیراسته نباشد، بلکه شاعر در عین اینکه باید به زبان مردم سخن بگوید، باید تلاش کند با شعر خود، سطح مردم را بالا ببرد.

می‌گویند که آقا این شعرهای غلمبه سلمبه را که بخوانیم، مردم نمی‌فهمند. خب! بله بعضی از شعرها واقعا همین جور است؛ از سطح عمومی مردم بالاتر است. یعنی یک آدم ادیب و شاعر و باذوق هم باید دقت کند تا معنا را بفهمد. اینها را ما توصیه نمی‌کنیم. لیکن توجه داشته باشید، ذهن مردم و تلقی مخاطب با خواندن شما بالا می‌آید… (بیانات در دیدار شعری آیینی ۱۳۹۰/۳/۲۵).

شاعر باید به دنبال مضمون عالی باشد و فرم هنری به تنهایی نمی‌تواند یک شعر ارزشمند به مخاطب ارائه دهد. ایشان به صورت مصداقی مهم‌ترین محورهای معنوی شعر انقلاب اسلامی را برشمرده‌اند:

■ **معارف دینی، اخلاق و معرفت**

غیر از بیان احساسات، شعر مسؤولیتی هم دارد. به نظر من آن مسؤولیت عبارت است از اینکه باید در خدمت دین و انقلاب و اخلاق و معرفت باشد… باید شعرای ما در این جهت، مضمون آفرینی کنند.شعر باید بتواند به معرفت مردم، به دین مردم، به اخلاق مردم…خدمت کند (بیانات در دیدار شعرا ۱۳۹۱/۵/۱۴)

■ **مسائل روز دنیای اسلام**

تأکید می‌کنم، همان‌طور که در شعرهای شعرای عزیزمان مشاهده کردیم، همچنین در برخی اشعار مداحان عزیز شنیدیم، امروز دنیای اسلام نیازمندی‌هایی دارد. دنیای اسلام امروز در یک مرحله حساس تاریخی دارد. به سر می‌برد. اینهایی که شما ملاحظه می‌کنید-آل سعودان جوری، یمن آن جوری، عراق این جوری، سوریه آن جوری، مسائل مربوط به آمریکا، مسائل مربوط به رژیم صهیونیستی، کارهایی که در منطقه می‌کنند، تصمیم‌هایی که می‌گیرند، فشاری که روی جمهوری اسلامی می‌آورند… در چنین شرایطی که دنیای اسلام در واقع از یک پیچ تاریخی دارد عبور می‌کند، ما وظایفی داریم، تکالیفی داریم، هر کدام‌مان به یک نحوی… نمی‌توانیم غفلت کنیم از نیازهای امروز دنیای اسلام. در رأس این نیازها هم، نیازهای جمهوری اسلامی است… (بیانات در دیدار شعرای آیینی و مداحان مشهد ۱۳۹۵/۴/۲۴).

■ **ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی**

شما ببینید چطور این شعرانسان را منقلب می‌کند و هزاران بیت از این قبیل هست. قسمت دیگر معارف اسلامی است که امروز با معارف انقلابی که ما به آن سیاست می‌گوییم، انطباق پیدا می‌کند.هیچ شعری نباید از این مطالب خالی باشد. اینها معارف اسلامی است… (سخنرانی در دیدار مداحان اهل بیت ۱۳۶۹/۱/۱۷).

بر اساس آنچه گفته شد، معناگرایی، مخاطب‌گرایی و توجه به مفاهیمی و مضامینی چون معارف دینی و اخلاقی، مسائل روز دنیای اسلام و ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

■ **مؤلفه‌های شعر انقلاب در شعر علیرضا قزوه**

شعرهای قزوه نه معنامحور است و نه معناگیز. شعر معنامحور شعری است که تنها و تنها بستری است برای انتقال مستقیم معنا. هدف شاعر در این دست از سروده‌ها تأثیر آنی یا انتقال مفاهیم تربیتی – آموزشی به مخاطب است. شاید بتوان ادبیات تعلیمی را تا حدودی ادبیاتی معنامحور در نظر گرفت که به دلیل کارکرد آموزشی‌اش از پیچش‌های فنی و هنری

درباره علیرضا قزوه و مؤلفه‌های شاعری او

شعر، پایه‌پای انقلاب

[دکتر حامد صافی]

فاصله دارد و در پی ارتباط بی‌واسطه با مخاطب است. ویژگی معناگریزی را می‌توان در اثری پیگیری کرد که در نقد ادبی امروز با عنوان «متن باز» از آنها یاد می‌شود. متونی که مورد علاقه نقد ادبی متن‌محور و هرمنوتیک نسل دوم است. بنابراین معناگرایی تعادلی استست بین آنچه معنامحوری و معناگریزی خواندیم. برای شاعر مهم است چه می‌گوید و مهم است که مخاطب بداند که مؤلف چه می‌گوید اما در این مسیر از برش‌های هنری و آراستگی ادبی اثر غافل نمی‌شود. رسیدن به درجه معناگرایی بر سهل‌ممتنع بودن اثر می‌افزاید. راز سهل‌ممتنع بودن شعر قزوه را در همین معناگرایی باید جست‌وجو کرد، یعنی تعادل در پیوند محتوا و فرم. نمونه‌های این معناگرایی و تعادل در پیوند فرم و محتوا در شعر قزوه کم نیست. در برخورد نخست با شعر قزوه، تصور می‌کنیم شاعر دچار شعارزدگی و حرفاتی شده اما وقتی برای بار دو و چندم با شعر روبه‌رو می‌شویم، می‌بینیم فربب همان تعادل در پیوند محتوا و فرم هنری را خودردایم. هیچ‌یک از آراستگی‌های ادبی به صورت غیرطبیعی استفاده نشده و شاعر از ورطه تصنع فاصله دارد. کیفیت بهره‌گیری قزوه از فنون ادبی از این منظر، حائز اهمیت است. قزوه هیچ‌وقت دنبال آن نیست تا با کشف‌های زبانی، ردیف‌های آنچنانی، تشبیه‌های دور و استعاره‌های عمیق، هنرش را به رخ مخاطب بکشد. مخاطب‌گرایی شعر قزوه را از همین جا می‌توان دنبال کرد. مخاطب در برخورد با شعر قزوه دچار سردرگمی نمی‌شود و هیچ‌گاه به دوگانگی زیبایی و معنا بر نمی‌خورد. تعادل در پیوند محتوا و فرم هنری نقطه اتصال مخاطب و مؤلف است. اینجاست که درک ولنت، توأمان، مهمان ذهن مخاطب می‌شود.

دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها

گریه کن، ای آسمان! در مرگ توفان ز ادعا
سخت گمنامید، اما ای شقایق سیرتان!

کیسه می‌دوزند با نام شما، شایدها

با شما هستم که فردا کالسه سرهای تان

خشت می‌گردد برای عاقبت آبادها

زاد زد چرا کسی به دادمان نمی‌رسد؟

دست‌های عاشقانه تا دهان نمی‌رسد!

داد زد نام چیزهای خوب از شهابست

نان و عشق و گل چرا به دیگران نمی‌رسد؟

گفت: ای خدای مهربان به من بگو چرا

حرف‌های ما به گوش آسمان نمی‌رسد؟

■ **مضامین شعر قزوه**

گزیده «چمدان‌های قدیمی» که حاوی ۵۷ غزل است، به وضوح قزوه را یک شاعر موضع‌مند معرفی می‌کند. این بخش از مؤلفه شعر انقلاب در سروده‌های قزوه به‌راحتی قابل جست‌وجو است. قزوه شاعری است که در برابر اتفاقات سیاسی – اجتماعی دنیای اسلام، بی‌تفاوت نیست:

وای روز ما که در اندوه و حرمان سر شود

حیف عمر ما که در دعوا و پنهان بگذرد

خون سپهراد و سیاوش سنگفرش کوچک‌هاست

رستمی باید که از این آخرین خوان بگذرد

کاشکی این روزها بر ما نمی‌آمد فرود

حسرت این روزها بر ما فراوان بگذرد

کافر از کافر گذشت و گبر بار گبر شد

کاش می‌شد تا مسلمان از مسلمان بگذرد

«گفت‌مان انقلاب اسلامی» نیز در شعر قزوه نمود ویژه‌ای دارد. قزوه در سروده‌های متعدد علیه بی‌عدالتی، رفاه‌طلبی و فشارزدگی‌ها می‌شورود. در این سروده‌ها قزوه به یک «شاعر انقلابی» تبدیل می‌شود که تیغ واژه‌هایش را به تن ناملاپمات اجتماعی می‌کشد:اند

تمام تیغچه‌ها بر شد از نقاب‌فروش

زمانه‌ای ست که حلاج شد طباب فروش

شهیدت ز شهیدان بی‌گفن، شاعر

غریبت ز نویسنده‌ها، کتاب فروش

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۲۵۳

[شعر و ادب]



چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۲۵۳

[شعر و ادب]

الا شما که به بیبلاق خورد و خواب شدید
هماره اجر شما باد با کباب‌فروش
حراج عشق ببین در دکان سمساران
قمار عقل نگر در سرای قاب‌فروش
خروس‌ها همه چون مرغ خرچ خوابیدند
حکیمکان زمان‌اند قرص خواب‌فروش
نمانده حجب و حیایی، همین‌مان کم بود
همین که فاحشه شهر شد حجاب فروش
مده زمام دل خود به دست پیر هوی
مرو به کوی هوس پیشه خراب‌فروش
پی کلام عقوبت گناهکار شدیم
سیاه نامه‌تر از واعظ تواب‌فروش
دریغ نغمه آرامشی به ما نرسید
که مطربان همه تلخ‌اند و اضطراب‌فروش
من از قبيله عباس‌های تشنه لبم
تو از تبار همین گرمگان آب‌فروش
بگو بلند شود موج غربت دریا
چنان که باز شود مِشت هر حباب فروش
زمانه‌ای ست که گل پوست می‌کنند اینجا
خوشا به ذوق تماشگر گلاب‌فروش
سلام بر همه الا به قلب مغلوبان
سلام بر همه الا به انقلاب‌فروش
شما که خون دل خلق را پیاله شدید
شورر شهر شما یید با شراب‌فروش؟

ردیای شعر آیینی، آن هم با موضع روز، در شعر قزوه قابل پیگیری است. به بیانی دیگر، قزوه در شعر آیینی، صرفا به دنبال روایت هنرمندانه تاریخ یا مدح هنرمندانه یک شخصیت دینی نیست، بلکه از حوادث تاریخی و دینی برداشتی آگاهانه و هوشمندانه دارد. برای نمونه به خط فکری او درباره حادثه کربلا و گزاره «کربلا به اصل خود رسیدن است» توجه کنید که چگونه شاعر از یک واقعه تاریخی -دینی برای تعلیم و آگاهی بخشی بهره برده است:

ابتدای کربلا مدینه نیست، ابتدای کربلا غدیر بود

ابراهی خون‌فشان نینوا، اشک‌های حضرت امیر بود

بعد از آن فتوت همیشه سبز، برکت از حجاز و از عراق رفت
بعد از دهانه دلشسته سنگ شد، پشت هر پهار، صد کویر بود
بعد مکه و مدینه، دام شد، کوفه صرف عیش و نوش شام شد
آفتاب سربلند سایه‌سوز، در حصار نیزه‌ها اسیر بود

الامان ز شام، الامان ز شام، الامان ز درد و غربت امام
شام بی‌مروت غربت‌کش، کاش کوفه پنهان‌گویی

هان! هبا شدید، هان! هدر شد، مردم مدینه‌ای پدر شدید
این صدای غربت مدینه بوده، این صدای زخمی بشیر بود
کربلا به اصل خود رسیدین است، هر چه می‌روم به خود نمی‌رسم!

چشمم تا به هم زدم چه دور شدد، تا به خویش آمدم چه دیر بود!

حال به پرسشی که در عنوان این جستار طرح شد، باز می‌گردیم:

چرا علیرضا قزوه شاعر انقلاب است؟

شعرا انقلاب اسلامی را در سروده‌هایش دنبال کرد. قزوه شاعری است معناگرا که به هیچ‌وجه معنا و فرم را فدای یکدیگر نمی‌کند. در شعر او نه معنا به تنهایی اصالت دارد و نه فرم. فرم و محتوا در شعر او به تعادل می‌رسد. این تعادل از ویژگی «مخاطب‌گرا» بودن شعر او سرچشمه می‌گیرد. مخاطب در برخورد با شعر قزوه دچار سردرگمی بر گرفته از فرم و نیز دلزدگی برآمده از معنامحوری نمی‌شود و لذت و درک را هم‌زمان درمی‌یابد. از سوی دیگر، شعر قزوه از لحاظ مضمون و مفهوم، هم‌رستای گفتمان انقلاب اسلامی در حرکت است. قزوه حتی در شعر آیینی هم «شاعری انقلابی» به شمار می‌رود.

شکوهمندی چون «جلودار» گرفته تا سروده‌های ماندگاری که بسیاری از آنها شناسنامه انقلاب اسلامی هستند، سروده‌هایی چون «خمینی ای امام»، «برخیزید ای شهیدان»، «آمریکا مرگ به نیرنگ تو»، «ای مجاهد» و صدها اثر دیگر، به عنوان اسطوره شعر انقلاب اسلامی نام می‌گیرد.

این چند سطر را با ابیاتی از مثنوی جلودان «جلودار» حسن ختام می‌بخشیم:
وقت است تا بار سفر بر باره بندیم
دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
گاه سفر آمد، نه هنگام درنگ است
چاووش می‌گوید که ما را وقت تنگ است
گاه سفر آمد، برادر! گام بردار
چشم از هوس، از خورد، از آرام بردار
گاه سفر آمد برادر! ره دراز است
پروا مکن، بشتاب همت چاره‌ساز است
گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است
موسی جلودار است و نیل اندر میان است
فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید!
تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید!
یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد
ای یاوران! باید ولی را باوری کرد
جانان من! برخیز بر جولان برانیم
ز آنجا به جولان تا خط لبنان برانیم
آنجا که جولانگاه اولاد یهود است
آنجا که قربانگاه زعتر، صور، صید است
جانان من! اندوه لبنان کشت ما را
بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

مصطفی محدثی خراسانی: نقش شعر و سهم منحصر به‌فرد آن در شکل‌گیری میراث فرهنگی ما واقعیتی ملموس و بدیهی‌تر از آن است که نیازمند آوردن ادله و بحث و اثبات و به کرسی نشاندن باشد.

شعر اصلی‌ترین سازوکار معرفتی، هنری فرهنگ‌ساز و تنها رسانه انتقال‌دهنده فرهنگ در تاریخ معرفتی ایران است و امروزه اگر بخواهیم به جمع‌بندی از هویت تاریخی فرهنگی خویش بپردازیم و تصویری از این هویت به دست دهیم چه منبع در دست‌تر و موثقت‌تری از شعر موجود است.

امروزه نیز با آنکه شعر به ظاهر رقیبای جدی پیدا کرده و بخش عمده‌ای از کارکرد رسانه‌ای شعر را هنرهای دیگری، بویژه هنرهای تصویری انجام می‌دهند اما اگر نگاهی تأویل‌گرا به حوزه فرهنگ داشته باشیم خواهیم دید که شعر کماکان از همان جایگاه و پایگاه تاریخی خویش برخوردار است و پیشتاز در فرهنگ‌سازی و انتقال آن است، امروز در چهارمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی به واقع در میان کدامیک از گونه‌های هنری به صورت جامع و مانع می‌توان تصویری کامل‌تر و گویاتر از تصویری که شعر از انقلاب و آرمان‌هایش ارائه می‌دهد سراغ گرفت.

شعر انقلاب حاصل تلاش جمعی شاعران انقلاب در چند دهه اخیراست و در شکل‌گیری بنیان و بنای آن همه سهمیم هستند و هر کدام به نسبت توانایی بخشی